

## قانون مجازات عمومی

که قابل انطباق با جرائم مختلفه است و بطور کلی در تمام موارد يك تشخیص کلی دیگری قائل شده اند که بموجب آن موارد تعدد جرم بردو دسته تقسیم میشود اول تعدد از نظر فرضی و رسمی دوم تعدد از نظر واقعی و مادی:

۱ - تعدد از نظر فرضی و رسمی - که در اینجا احکام تعدد جاری نمیشود:

### الف - تعدد عنوان وحدت عمل

مثل انتقال مال غیر و اخفاء مال مسروق - باز کردن یاکت از طرف فرانس یست (نامه رسان) بقصد سرقت اسکناس محتوی آن (که شامل دو عنوان است) در اینگونه موارد عمل مجرم یکی و جرم هم یکی است و از نظر تعدد عنوان برای انطباق آن با قانون باید بعنوان و جرم اشد متوسل گردید.

### ب = تعدد عمل و عنوان

که هرچه مجرم قصد انجام جرم واحدی داشته لکن اعمال مختلفی انجام داده که یکایک آنها جرم مخصوصی را تشکیل میداده: مثالهای گذشته سرقت مساح - عمل منافی عفت با اعمال عتق و فتنار که مستلزم هتك ناموس هم میشود.

در این حالت مجموع اعمال و اقدامات مجرم تشکیل يك جرم مخصوصی داده و فرد فرد آنها جرم دیگری شناخته نمیشوند قانون مجازات هم برای جرم مزبور عنوان خاص و مجازات علیحده قائل شده که از مجازات شدید ترین اعمال (که اگر جرم مستقلی بود مجازات مخصوص میداشت) بالاتر است.

از اصل مزبور نتایج ذیل بدست میآید:

۱ - برای شروع و ختم مرور زمان مبدأ تاریخ وقوع

ج - اعمالی که فرد فرد و مجرمان جرم مخصوصی را تشکیل ولی در زمان و مکان واحدی انجام شوند مثل ایراد ضرب در موقع نزاع که تکرار شود.

در تشخیص تعدد یا وحدت جرم در جائیکه انجام قصد مجرم بر اثر اعمال مختلف یا عمل واحد که نتایج مختلف داشته عملی شده و قابلیت شمول آن بر تعدد جرم بحث بسیار پیش آمده چه آنکه گاه اتفاق میافتد عمل مجرم بطوری است که با مواد مختلف از قانون مجازات منطبق است با عمل منافی عفت در معبر عمومی (که هم با جریحه دار کردن عفت عمومی و هم با عمل منافی عفت هر دو تطبیق میکنند) یا انتقال مال مسروقه (که هم با اخفاء مال مزبور و هم با فروش و انتقال مال غیر قابل انطباق است) یا در مورد مثال قبل که بعضی از اعمال ذاتاً جرم ولی مجرم آنها را برای انجام جرم دیگری بکار برده و یا در مورد اشتباه در هدف جرم که مثلاً تیر بجانب شخص معینی خالی و به - دیگری خورده است (چنانچه در پیش اشاره شد بنظر بعضی چنین شخصی مرتکب دو جرم شده یکی جرم عقیم نسبت بشخص مورد نظر خود و یکی قتل غیر عمد نسبت با آسیب دیده از جرم بمقیده برخی دیگر جرم ارتکابی یکی و از روی قصد واقعی مجرم تشخیص میشود.

در کلیه موارد نامبرده اشکال در وقوع یا عدم وقوع تعدد رخ میدهد و باید بدانیم آیا احکام تعدد در آنها جاری بوده یا خیر و در صورت جریان مجازات شخص چیست و تا چه اندازه است علماء علم حقوق برای تشخیص واضح تعدد از حالات مشابه آن با اصولی چند متوسل شده اند که بموجب آن در بعض موارد ملاک تشخیص قصد واقعی مجرم در انجام جرم در برخی دیگر نظر قانونگذار و اطلاق جرم اشد بعملی

جرم کلی است نه فرد فرد اعمال ( که ممکن است جرم علیحده باشد).

ب - در وحدت رسیدگی قضائی و غیر قابل تعقیب بودن مجدد جرم باید همان جرم کلی را در نظر گرفت نه فرد فرد عملیات متشکله جرم .

ج - هر يك از عملیات مزبور مستقلاً قابل تعقیب و مجازات نیستند مگر در صورتیکه جرم تمام نشده باشد که در این صورت آنها بمنوان شروع بجرم ( در صورتیکه جرم شناخته شود ) میتوان تعقیب کرد و یا اگر در قانون شروع بعمل مزبور جرم نبوده ولی آن اندازه از عمل شخص مجازات علیحده داشته باشد آنوقت آنها در موارد استثنائی تحت عنوان مزبور تعقیب شود .

د - صلاحیت رسیدگی با دادگاهی است که برای مجموع عملیات و بالا اقل برای عمل شدید تر از همه صالح است .

وجه امتیاز در حالت فوق با سایر حالات ( که هر يك از عملیات بموجب قانون جرم مخصوص و علیحده باشد ) در بی بردن بمقصود و نیت واقعی مجرم است مثلاً اگر محرز شد که مجرم قصد سرقت داشته و هر يك از عملیات مزبوره را مقدمه و وسیله برای رسیدن بمنظور اصلی خود که دزدی است انجام داده بطوریکه همگی آنها از لوازم ارتکاب جرم مزبور باشد در اینصورت بدیهی است تمام عملیات جرم واحدی را تشکیل داده و در نتیجه اگر چنانچه اشاره شد مجرم در اثر عوامل خارجی از تمام آنها و واقع ساختن جرم باز ماند آنچه که انجام شده بمنزله شروع بجرم مزبور و چنانچه اشاره شد بهمان مجازات میرسد - برخلاف اگر قصد واقعی او انجام همان اعمال بخصوص بوده و بموجب قانون جرم شناخته میشود مجازات او همانست که برای هر يك از اعمال مزبوره مقرر شده چنانچه شکستن درب و پنجره یا بالا رفتن از دیوار و ورود بخانه غیر ممکن است علل مختلف داشته و برای منظورات متعددی انجام شود : سرقت - عمل منافی عفت - انتقام - قتل و امثال آن .

در تعدد عمل و عنوان و ملاک گرفتن نیت و اراده اصلی مجرم در تشخیص وحدت یا تعدد جرم بعضی اینطور نتیجه گرفته اند که گاه بعضی جرائم مخصوص و مستقل نیز وسیله و مقدمه برای انجام جرائم دیگر که منظور اصلی مجرم است میشوند مثلاً شخص بگانه قصدش کلاهبرداری است ولی برای رسیدن باین مقصود جعل و تزویر وسیله آنست و شخص کلاه بردار در غیر این مورد کوچکترین نظری هم بجعل سند مستقلاً ندارد - بنظر این دسته و بنا بر نیت واقعی مجرم که کلاه برداری است مجموع عملیات او باید از روی قصد مجرمیت او ( که در اینجا یکی است ) تشخیص شود . همان نتایج که از وحدت تعقیب و مرور زمان و صلاحیت و غیره برای تعدد عنوان و عمل ولی وحدت جرم قائل شدیم اینجا هم بشویم .

لکن این نظریه صحیح نیست چه در همان فرض بالا اگر بدیده دقت بنگریم و با آنکه منظور اصلی نیت واقعی شخص در رسیدن بیک مقصود است لکن راه رسیدن باین مقصود منحصر نیست و الا اساساً بشر در کلیه اعمال و افکار و مبارزات گوناگون و تشبثاتی که در حیات اجتماعی خود دارد منظور نیت واقعی یکی است : آسایش و سعادت زندگی پس نمیتوان گفت هزاران عملی که هر کدام اثرات و نتایج مخصوص بخود دارد در حقیقت چون برای منظور واحد است حمل بر عنوان واحدی میشود .

و در هر حال در مورد مثال فوق در عین اینکه شخص از تمام عملیاتی که میکند يك منظور بیشتر ندارد ( کلاه برداری ) معذک در انجام فرد فرد آنها که بگانه وسیله اجرای نیت او نبوده و متلازم پرهیز نا پذیر با آن ندارد قصد مخصوص و علیحده دارد که شخص اگر بسیار بی اعتنا بارتکاب هرگونه جرم و بهر قیمت که باشد نبوده و دارای سیره زشت و جنایتکارانه هم نباشد همینقدر که دید رسیدن بمقصود او که خود جرم است باید بوسیله انجام جرم دیگری تسهیل شود میتواند بکلی از آن صرف نظر کند و حاضر نشود که برای امر جنحه بجنایتی دست بزند .